

هنر در مقام الهیات

از عصر پسامدرن تا قرون وسطی

آندرناس آندرنوپولوس

ابراهیم رنجبر

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه

: آندریو پولوس، آندرناس، ۱۹۶۶-م.

Andreopoulos, Andreas

عنوان و نام پدیدآور : هنر در مقام الهیات از عصر پسامدرن تا قرون وسطی

آندرناس آندریو پولوس؛ ترجمه ابراهیم رنجبر.

: تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۰.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

: ۹۷۸-۶۲۸-۷۱۳-۱

فیبا

فهرست نویسی

: Art as theology : from the postmodern to the medieval, 2006.

عنوان اصلی

: هنر و دین

موضوع

: Art and religion

موضوع

: رنجبر، ابراهیم، ۱۳۶۹-، مترجم

شناسه افزوده

: NV۲

رده‌بندی کنگره

: ۷۰۱/۰۸

رده‌بندی دیویی

: ۸۴۰۳۰۶۴

شماره کتابشناسی ملی

هنر در مقام الهیات

از عصر پسامدرن تا قرون وسطی

آندرناس آندرنیولوس

ابراهیم رنجبر

چاپ اول: دی‌ماه ۱۴۰۰ - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ - چاپ: مهارت‌نو

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۱۶۳-۱



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست

۱۱.....	مقدمه مترجم.....
۱۹.....	تقدیر و تشکر.....
۲۱.....	مقدمه.....
۳۳.....	۱ نگرشی دینی به تاریخ هنر.....
۱۳۹.....	۲ در ستیز با لئوناردو.....
۲۰۵.....	۳ «مرگ هنر» در فلسفه پسامدرن.....
۲۶۹.....	۴ هنرمند دینی در این ایام: از پسامدرن به قرون وسطی.....
۳۰۷.....	نتیجه گیری.....
۳۱۳.....	یادداشت ها.....
۳۳۱.....	کتابنامه.....

مقدمه مترجم

از دیرباز، از آن روزگاری که بشر خانه‌ای جز حفره‌ای در دل سنگ نداشت، از آن روزهایی که بشر از دیگران چندان خبر نداشت، از آن ایام که روشنایی فقط نور خورشید و مهتاب بود و بشر بسی بیش از اینکه با نور و روشنایی سر کند با تاریکی سر می‌کرد، هنر سر رسید و اوزبانی یافت تا بگوید، تا تاریکی را معنا کند. امروزه پس از تحولات انقلاب صنعتی و بحران مصرف‌گرایی، هنر برای ما بیشترین معنای «تفنن» و «تجمل» است، توگویی در «وقت آزاد» باید به سراغ هنر رفت و در میان جدی نیز هنر به ابزاری تبلیغاتی برای ما بدل می‌شود؛ در غیر این صورت، هنر بهتر است به ابزاری برای سرگرمی خرد سالان بدل شود و از دنیای بزرگسالان بیرون بماند. به عبارتی، «سرگرمی» هنر را در خود هضم کرده، ظاهراً تنها سویه آن سرگرمی است و هیچ منفعت و کارکرد هستی‌شناختی دیگری بر آن مترتب نیست.

مسئله کتاب پیش رو درست از همین جا آغاز می‌شود، نویسنده کار خود را با سؤالی اساسی آغاز می‌کند: آیا هنر همین است که می‌بینیم، آیا هنر فقط سرگرمی است؟ به همین سبب او به دل تاریخ می‌رود و شمایل‌نگاری را در

مقام هنری قدسی و الهیاتی بررسی می‌کند. اما یک پرسش؛ اگر قرار است بفهمیم هنر جز سرگرمی چه کارکرد دیگری دارد و اگر قرار است به چیستان هنر در روزهای پیشین پی ببریم که هنر نور بشر بود، دیگر چرا پای الهیات و امر قدسی به میان کشیده می‌شود؟ پاسخ این است که اولاً هنر الهیاتی با هنر دینی فرق می‌کند، هر هنر دینی الهیاتی است، اما هر هنر الهیاتی ضرورتاً دینی نیست. به همین دلیل اول باید هنر دینی و هنر الهیاتی را از هم جدا کرد. ثانیاً، هنر الهیاتی از یک جنبه بسیار مهم است؛ این هنر ۵ چیزی را بیان چیزی می‌کند که گفتنش سخت و گاهی محال است: گفتن ناگفتنی و به تصویر کشیدن نادیدنی. همین یک نکته موجب تکوین هر نوع هنر الهیاتی می‌شود. هنرهای دینی هم از این نکته، چنان که پیش‌تر گفتیم، بهره دارند، ولی هر هنری که بخواهد امر ناگفتنی را بر زبان آورد و نادیدنی را به تصویر بکشد، هنری دینی نیست. هنر دینی بن‌مایه‌های دینی را همچون امری استعلایی دستمایه کار خود می‌کند و البته یکی از قدیمی‌ترین و پربارترین مصادیق هنر الهیاتی است. به همین منظور، پیرایه نیست اگر متون دینی را به معنای موسع دستمایه بررسی هنر الهیاتی کنیم.

برای نمونه، اگر گلگشتی در تعاریف هنر بنزیم و بخواهیم دو عنصر اساسی را برگزینیم، چه بسا آن دو مفهوم، «ساختن» و «زیبایی» باشد. هر هنری چیزی را می‌سازد یا می‌آفریند، همان چیزی که بدان خلاقیت می‌گوییم و از دیگر سوا این خلق زیبا و خوب است: خلق هنری مطلوب و دلپسند است. شاید یکی از قدیمی‌ترین چیزهایی که این دو اصل رکن را با امری قدسی و لاهوتی گره زده و به این ترتیب مبنای هنر بر اساس چیزی دیگر جهانی تبیین کرده، سفر پیدایش باشد. همان چند سطر اول از باب نخست سفر پیدایش این دو مفهوم را در خود دارد و البته هر دو را به الوهیم، همچون امری قدسی گره می‌زند؛ در آنجا، نخست در سطر اول می‌خوانیم